



مسابقات قوی ترین مردان جهان در بلغاست ایرلند، عکس از خبرگزاری فرانسه

عکاس برای ثبت این عکس به ظاهر ساده، دوروز تمام منتظر بهترین موقعیت نوری برای عکاسی بوده است، عکس روز نشنال جئوگرافی



دراز کشیدن یک پسر در استخر گوجه فرنگی در جشنواره گوجه فرنگی در کره جنوبی، عکس از تلگراف

دنیانه روایت تصویر

آیات نور

مرعوب اکثریت و همرنگ جماعت

نشویم

حجت الاسلام و المسلمین قرائتی در تفسیر آیه ۱۰ سوره یوسف با این مضمون که: «گوینده ای از میان آنان گفت: «یوسف را نکشید و (اگر اصرار به این کار دارید لاقل) او را به نهان خانه چاه بیفکنید تا بعضی از کاروان ها (که از آن جا عبور می کنند) او را برگیرند.» نکاتی را مطرح کرده اند که می خوانید:

۱- گاهی نهی از منکر یک فرد می تواند نظر جمع را عوض کند و بر آن تاثیر بگذارد. (یکی گفت: یوسف را نکشید و نظر جمع را تغییر داد) ۲- نام گوینده سخن مهم نیست، محتوای کلام مهم است. (قال قائل ...) ۳- مرعوب اکثریت و همرنگ جماعت نشویم. (یک نفر بود ولی همرنگ جماعت نشد) ۴- اگر نمی توان جلوی منکر را به کلی گرفت، هر مقدار که ممکن است باید آن را پایین آورد. ۵- مشورت در کار ناپسند نیز راهگشاست تا چه رسد در کارهای خوب. (برای کشتن برادر مشورت کردند) ۶- برای مبارزه با فساد، گاهی دفع افسد به فاسد لازم است. (او را نکشید، در چاه بیندازید) ۷- در کنار نهی از منکر، جایگزین ارائه کنیم. (اگر گفتیم این کار را نکنید، پس بگوییم چه کار کنند)

تفسیر نور

یادش بخیر



داستانک

داستانی پندآموز درباره خساست

مرد ثروتمندی به پیرمرد دانایی گفت: «نمی دانم چرا مردم مرا خسیس می پندارند؟» پیرمرد گفت: «بگذار حکایت کوتاهی از یک گاو و یک گوسفند برایت نقل کنم تا شاید پاستخ را ببایی.» روزی گوسفند به گاو گفت: «مردم از طبیعت آرام و چشمان حزن انگیز تو به نیکی سخن می گویند و تصور می کنند تو خیلی بخشنده هستی زیرا هر روز پایشان شیر و سرشیر می دهی اما درباره من چی؟» همه چیز خودم را به آن ها می دهم از گوشت ران گرفته تا سینه ام را. با وجود این کسی از من مانند تو خوشش نمی آید و مراقبت نمی کند که نمیرم. علتش چیست؟» گاو گفت: «شاید علتش این باشد که هر چه من می دهم در زمان حیاتم می دهم.»

منبع: سایت کلام زنده

بریده کتاب

عاقبت انتخاب های بد

اون هایی که دایم به انتخاب های بد دست می زنن، وضع تاسف باری پیدا می کنن. اون قدر کند می شن تا کاملاً متوقف می شن و بعد شروع می کنن به فرو رفتن. اون قدر فرو می رن تا این که به کلی دفن می شن. برای این آدم ها هم البته که فرصت هست اما اون ها مجبورند مدتی رو صرف این کنن تا خودشون رو از اعماق به سطح برسونن. زندگی مواجیه ابدی آدم هاست با این انتخاب ها!

برگرفته از کتاب: روی ماه خداوند را ببوس، مصطفی مستور

سفرنامه

تشخیص حال شاه عباس از رنگ لباسش!

برادران شرلی ماموران سیاسی، نظامی انگلیسی که در عصر شاه عباس صفوی در ایران به سر می برده اند، درباره حالات و پوشش شاه عباس در موقعیت های مختلف چنین نوشته اند:

حالات پادشاه از لباسی که هر روز می پوشد، استنباط می شود. روزی که لباس سیاه می پوشد، متفکر و خوش رفتار است. اگر لباس سفید یا سبز یا زرد یا رنگ های مشعشع دیگر می پوشد، خوشحال و بشاش است. اما روزی که لباس سرخ پوشد، آن روز تمام اهل دربار متزلزل اند زیرا که آن روز مسلماً کسی را به قتل خواهد رساند و من این مطلب را مکرر تجربه کرده ام، قوانین این مملکت مانند قوانین ارتش سخت است مثلاً اگر شخصی چیزی را بدزدد که ده شاهی قیمت داشته باشد، او را به حکم حاکم از درخت می اویند و خفه می کنند.

سفرنامه برادران شرلی، ص ۹۴

اندک صبر

شادم از غرق شدن!

غرق شده ام
آن سو تر تویی
شادم که غوطه خوران
به تو نزدیک می شوم

شمس لنگرودی

دور دنیا

بزرگ ترین مجسمه شکلاتی دنیا!



گینس ورلد رکورد/ رکورد بزرگ ترین مجسمه شکلاتی دنیا در مکزیک شکسته شد! این مجسمه را یک شرکت شکلات سازی برای تبلیغات ساخته که با ۶ متر ارتفاع و ۳/۷ متر عرض، رکورد جالبی را به نام خودش ثبت کرده است. وزن این مجسمه خوشمزه شکلاتی ۸۲۷۳ کیلوگرم است!

کت تصفیه کننده آب باران!



تاکسل/ دو مخترع ژاپنی نوعی کت را اختراع کردند که با پوشیدن آن در هوای بارانی می توانید به راحتی آب باران تصفیه شده را بیاشامید! از آن جا که ژاپن روزهای بارانی زیادی دارد، این مخترعان تصمیم گرفتند از آب باران استفاده و آن را برای کسانی که زیر باران قدم می زنند تبدیل به آب آشامیدنی کنند. این کت در ابتدا آب باران را جمع می کند و بعد با استفاده از چند فرایند شیمیایی و فیلتر، آن را تبدیل به آب آشامیدنی می کند.

سریع ترین زمان آماده کردن خمیر پیتزا!



گینس ورلد رکورد/ درست کردن خمیر پیتزا، سخت ترین و زمانبرترین قسمت پختن پیتزاست اما دو آشپز هلندی برای این که ثابت کنند حسابدی در کارشان ماهرند، در مدت زمان یک دقیقه خمیر پیتزای ۴۲ سانتی متری را آماده کردند! این دو آشپز تا کنون چندین رکورد مرتبط با پیتزا درست کردن از قبیل کوتاه ترین زمان درست کردن یک پیتزا را هم در کتاب رکوردهای گینس به نام خودشان ثبت کرده اند.



خودمونوب

لطفا انبار باروت نشوید!

برای همه ما اتفاق می افتد که عصبانی شویم. از یک عصبانیت ساده و معمولی هنگام رانندگی بگیرد تا عصبانیت های دیوانه وار از رفتارهای دیگران. این دیگران می توانند هر کسی باشد، یک غریبه در خیابان، یک دوست یا همکار یا حتی اعضای نزدیک خانواده مان. اما جالب است بدانید که معمولاً عصبانیت های ما از کسانی که بیشتر دوست شان داریم عمیق تر و دردناک تر است، چون احتمالاً از آن ها انتظار بیشتری داریم. اما این جا می خواهیم درباره یک دستورالعمل ساده صحبت کنیم: لطفاً احساس خشم تان را بروز دهید! یعنی اگر از دست کسی ناراحت شده اید خیلی ساده تر و امن تر است که بروید و به او بگویید: «از دست تو به این دلیل عصبانی هستم، چرا یا من چنین کاری کردی؟» این راه بهتر از آن است که خودتان را محل ذخیره خشم های ریز و درشت بکنید و کم کم تبدیل شوید به یک انبار باروت که منتظر یک جرقه است تا منفجر شود و همه چیزهای دور و برش را نابود کند. اگر خشم تان را سر جای خودش و روی فردی که از او خشمگین هستید البته با مدیریت صحیح خالی نکنید و با او حرف نزند احتمالاً یکی از کارهای زیر را انجام خواهید داد: اول از همه پشت سرش غیبت خواهید کرد تا دلتان خنک شود، بعد در یک فرصت مناسب یک انتقام ناخودآگاه از او خواهید گرفت. مثلاً او ناخواسته جلوی جمعی به شما خندیده، شما از او خشمگین شده اید و آن را درون تان نگه داشته اید و بعد آن خشم انبار شده با افکار عجیب شما پرورتر شده است، شما هم مدام سکوت کرده اید و ادای انسان های بخشنده را در آورده اید. اما شما در باطن کسی را نبخشیده اید بلکه فقط منتظر فرصت انتقام بوده اید. بعد در یک جمع دیگر که فرصتی فراهم شده، او را با یک جمله ی ربط سنگ روی رخ کرده و انتقام گرفته اید. او هم هیچ گاه نخواهد فهمید این واکنشی است به کار خودش، چون شما هیچ توضیحی از خشم تان به او نداده اید. به همین دلیل او هم از شما خشمگین می شود و رابطه تان روی چرخه خشم و انتقام می افتد و تا ابد ادامه می یابد و شما و او تا همیشه رنج می برید. چاره کار ساده است: درباره خشم تان با هر کسی که از او خشمگین هستید حرف بزنید!

الهام یوسوی

آق کمال

آق کمال و تقدیر روز خبرنگار

عیال گفته بود فرداره رو خرسی بگیر، تو خانه کارت دژم. با ای که تو شرکت خیلی کار داشتیم، ولی چاره ای نبود جز چشم گفتن. حالا رخصتی که لازم نبود بگیریم، کلا سه نفر هستم تو شرکت که هر کدام مان هم خودش رئیسه! به بچه ها پیام دادم که فردا نمایم، خودتان یگ جوری با طلبکارا سر کنن. به عیال گفتم امر بفرماین؟ گفت: «روزت مبارک» انا حالا خوب رفتم! نمردم و یگ روزی هم به ما تبریک گفتن. در سال یگ روز مهندس ره به ما تبریک مگن که از بس پیام تکراری و خنگ خواستم بگم مو هر دو سه روزی یگ ستون دژم پدر هم چون هنوز پدر نرفتم حتی همو جوراب و کمر بند هم بگیرم نمیه. امروز چی روزی بود؟ گفت: «روز خبرنگار دیگه!» اوه! خواستم بگم مو هر دو سه روزی یگ ستون دژم تو روزنامه که اگه چاپ هم نرفت، آب از آب تگون نمخوره، مو کجا و خبرنگارهای زحمتکش کجا. ولی گفتم ولش کن. حالا که دلش به حالم سوخته و میخواد کادو بده، بذار فکر کنه خبرنگارژم. غیغم ره دادم بیرون و گفتم: «دست شما درد نگیره. لطف درن. راضی به زحمت تان نیستم.» گفت: «پس پاشو بریم روزنامه. خیلی دوست دارم ببینم تحریریه روزنامه چه جویره و روزنامه چه طوری چاپ میشه.» گفتم: «بی خیال! همی امروز که روز خبرنگاره مخی بری تحریریه؟ بنده های خدا بچه ها امروز به جای جشن گرفتن، انقدر سرشان شلوغ مره که نمندن چیکار بکنن. از بس مهمون میه که ازشان تشکر کنه و مسئوله که تازه یادشان منه بین حال خبرنگارا ره برسن و تقدیر هیچ کارشان نمرسن. بذار یگ روز دگه میزمت که خلوت باشه و خوب بشنی همه جا ره ببینی.» اخماش رفت تو هم و گفت: «نمی خوای ببری خب بگو نمی خوام، این بهانه ها چیه؟ پس پاشو برو سر کارت، نمون تو خونه.» اینم آخرش. رفتم حاضر بژم که امد دم اتاق و با لبخند گفتم: «نشوخی کردم، بیابشین برات کیک پختم.» ای قربونش بژم که چنددر با محبت. هنوز فکرم تموم نرفته بود که ادامه داد: «حالا که دوتایی خونه ایم ما ناهار هم نداریم، کاراتو بکن که ناهار بریم طریقه. برای مطلب بعدیت هم سوزه جرم میشه!» جان ما همی روش تبریک گفتن به یگ خبرنگاره؟ اونیم با جیب خالی و یگ بُزی طلبکار! آق کمال

باورش سخته



ایده و اجرا: صابری و مرادی

ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

* در عکس صفحه اول درباره زورگیری، خامنه چه قدر بی خیاله. تا بلویه عکس تون الکیه. جعفری، مشهد * راهکارهای پیشگیری از زورگیری، چیز جدیدی نداشت. همه می دانیم که باید تا بلو نیاشیم، از مسیر امن بریم و مقاومت نکنیم. کاش یک راهکار توپ و خاص هم ارائه می دادین. * زندگی سلام عزیز، لطفا یک بخش آموزش «فرهنگ و ادب» اضافه کنید و در آن به کسانی که در خانواده نیاموخته اند که در مسائل شخصی دیگران دخالت نکنند، ادب بیاموزید. * تصویر همدردی همه اعضای خانواده با نوزاد در دور دنیا خیلی عالی بود. لذت بردم. گوجان، مشهد * اندکی صبر عالی بود. عاشقانه ترش کنید لطفا. فریا، تهران * نیما رو چاپ نکنین دیگه. این روزها همه جا سخن از نیما است و واقعا اعصاب آدم خرد می شود از این همه پولی که بهش میدن و بدش ما هیچی. ولش کنین بابا. یک بیکار * همسر عزیزم میناجان، ۱۶ مرداد سالروز تولدت را از طرف خودم و دو تا گل های زندگی مون تبریک می گم.

پاسخ خفن استرپیست شماره قبل: سیمرغ - بدرود - افسرده محمد